یادداشت

اصل و عمق وحدت‌گرایی در جهان اسلام

ادامه از صفحه اول

اما جدای از اصل وحـــدت و تقریب آنچه عمق این وحدت را مشخص می‌کند میزان تعبد اولا عقلانیت ثانیا در فهم متن دین است. جریان‌هایی که سهم رویکردهای سلوکی و اخلاقی و عقلانی اندیشه‌ای را به دین به اندازه کافی نداده‌اند عمق وحدت‌شـــان در حد همراهی‌های ظاهری شکننده خواهد بود و این به‌دلیل بستر فکری و روشی است که برای خود ساخته‌اند. ماجرای داعش و جنگ سوریه به یک معنا بستر جدی افتراق در جهان اسلام شکل داده بود اگرچه به‌معنای حقیقی کلمه بستر قیام و وحدت و مقاومت مشترک در میان مسلمین شکل داد و بسترســـاز وحدت حقیقی شد اما در ظاهر همه جریان‌های اسلامی که دم از وحدت می‌زنند به چالش کشیده شدند اما امروز بعد از پیروزی‌های جبهه مقاومت و ضعف جدی جبهه غرب و اسرائیل و چرخش مصر و عربستان و دیگر کشورهای منطقه بستر برای طرح بحث و جدی شدن گفتمان وحدت فراهم شده یعنی صحنه بروز ظاهری وحدت مقابل جبهه کفر فراهم شده و صحنه از این جهت امیدبخش و فراهم است.

نگاه

مهدی شبان؛ پژوهشگر

از وحدت تاکتیکی تا وحدت حقیقی

وحدتی بین شیعه و سنی که برآمده از مبانی اسلامی و انقلابی است قطعا فراتر از یک وحدت تاکتیکی است. در رویکرد تاکتیکی، وحدت تنها جهت مصونیت از برخی آسیب‌ها و براساس مصلحت‌ها حفظ می‌شود مثلا در مقابل هجمه‌ها و تهدیدهای بی‌امان دشمن استفاده می‌شود، اما وحدت در منطق انقلاب اسلامی فراتر از تاکتیک و حتی استراتژیک است، بلکه وحدتی هویتی و بر مبنای ایدئولوژی و مبانی عمیق توحیدی است. هویت امت اسلامی یک هویت واحد است و تفرقه نوعی از خودبیگانگی است.

در آیات قرآن نزاع و اختلاف، مقابل اطاعت خدا قلمداد می‌شـــود وَأَطِيعُوا اللهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللهَ مَعَ الصَّابِرِينَ و در جایی عامل این اتحاد، الفت قلبی است که حقیقتی ایمانی را رقم می‌زند تا ســـلوک جمعی محقق گـــردد: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُـــرُوا نِعْمَةَ اللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» این نعمت یعنی نعمت اسلام، قرآن و پیامبر گرامی اســـلام. «تعاونوا»، «اصلحوا»، «اصلاح بین‌الناس»، «امّه واحده» هم به‌نوعی این وحدت را نشان می‌دهد.

بنابراین دعوت به «وحدت»، «تقریب»، «اتحاد» و «انسجام» و لزوم حفظ آن، صرفا یک توصیه اجتماعی و نیاز مقطعی و تاکتیک سیاسی و اقدام عملی برای حفظ منافع مادی مشترک نیست، بلکه وحدت امت اسلامی براساس بنیاد ایدئولوژی اسلامی است که همه نسبت به آن تکلیف دارند و اگر بخواهیم این وحدت امت را حفظ کنیم باید در مقابل دشمنان که می‌خواهند همه موجودیت امت اسلام لگدمال کنند مقاومت کنیم، البته ناگفته پیدا است در وحدت مصالح امت اسلامی هم تأمین می‌شود.

«وحدت و اتحاد مسلمان‌ها یک امر تاکتیکی نیست که بعضی خیال کنند حالا به‌خاطر شرایط خاصی ما بایستی باهمدیگر متحد باشیم، نه یک امر اصولی است و این هم‌افزایی موجب قوی‌شدن مسلمانان می‌شود تا در ارتباطات با کشورهای غیراسلامی نیز با دست پر وارد تعامل شوند.» (رهبر معظم انقلاب ۱۴۰۰/۰۸/۰۲)

این وحدت امت اسلامی به معنی برداشتن مرزهای جغرافیایی نیست بلکه به‌معنای وحدت عمل و درک مقابـــل درخصوص موضوعات مشترک حول مصالح اسلامی است که کم‌کم با ایجاد اتحاد و انسجام بیشتر یک هویت متعالی را رقم خواهد زد که امت‌ها جهت رسیدن به تمدن نوین اسلامی هم‌افزایی و تلاش می‌کنند.

وحدت حقیقی در لایه امت اســـلامی محقق می‌شود. ارتباط بین دولت‌های اسلامی گاهی با توجه دوجانبه جهت تحقق این وحدت حقیقی است و گاهی تاکتیکی است که زمینه‌ساز آن می‌گردد.

ارتباطات اخیر ایران و عربســـتان را باید از این منظر پیگیری کرد. دولتی که تاچندی قبل کاملا تحت حمایت آمریکا و صهیونیسم بوده و پشتیبان مالی داعش بوده و در تقابل با جبهه مقاومت در لبنان و سوریه و عراق و یمن نقش‌آفرینی کرده است، قاعدتا نمی‌تواند این رابطه کاملا مبتنی بر توحید حقیقی باشد.

از آخریـــن اختلافات گردن‌زدن شـــیخ نمر در عربســـتان به جرم تشیع بود که ۷سال و بیشـــتر ارتباط عربستان با ایران قطع شد که با پادرمیانی کشور چین این ارتباط دوباره برقرار شد، اما اساس این ارتباط قدرتی است که جمهوری اسلامی در منطقه و در جهان ایجاد کرده است هم به لحاظ نظامی که ابرقدرت‌ها را به خضوع واداشته اســـت، هم به لحاظ علمی و دانشـــی، هم به لحاظ ایجاد ارتباط با کشورهای منطقه و بسیاری از کشورهای دیگر. در مجموع ذهنیت ایران قوی و قدرتمند و پیشرفته در ذهن جهانیان حک شده است. از آن طرف کمرنگ شدن حمایت آمریکا از عربستان است که همه اینها عربستان را وادار به رابطه‌ای نزدیک‌تر با ایران می‌کند تا به انزوا کشیده نشود. لذا این روابط در دید اولیه تاکتیکی دیده می‌شود، اما باید توجه داشت جمهوری اسلامی از همه این ظرفیت‌ها استفاده می‌کند تا رابطـــه عمیق‌تری که مبتنی بر مبانی دینی اســـت بین امت اسلامی ایجاد شود. در واقع دولت‌های اینچنینی مانعی اصلی در ایجـــاد وحدت حقیقی هســـتند که کوتاه آمدن عملـــی آنها از خصومت‌های دیرین به هر نحوی که باشد، می‌تواند امت اسلامی را در ۲ کشور بیشتر به هم نزدیک کند.

ما به پیروی از اهل‌بیت(ع) که منادی وحدت بودند، ندای وحدت سردادیم و از هر فرصتی برای همگرایی اســـتفاده می‌کنیم، این همگرایی در کنار مزایـــای فراوانی که برای کشـــور دارد از منظر وحدت دستاوردهای مهمی را ایجاد می‌کند و آن اینکه حالت نزاع میان مسلمانان که از سوی کشورهای غربی به آنها تحمیل شده پس از این توافق و آشتی میان عربستان سعودی و ایران در حال از بین رفتن است و طبیعتا در وهله اول بر منطقه خلیج‌فارس تأثیر خواهد گذاشت و از این طریق می‌توان تمام کشورهایی که در طول ۴دهه گذشته به دشمنی و خصومت با انقلاب اسلامی پرداختند را به سمت تفاهم برای پیشرفت تمام جهان اسلام بکشاند. ارتباط علمی و ایجاد گفت‌وگـــو بین ملت‌ها، انتقـــال فرهنگی خصوصا روحیه مقاومت به امت‌های منطقـــه، از برکات این ارتباط خواهد بود و عملا می‌تواند امم اسلامی را علیه دشمن مشترک متحد کند و یک زیست‌بوم اسلامی را تشکیل دهد و حرکت به سمت تمدن اسلامی را نشانه رود.

سیره و سنت پیامبر اسلام(ص)، نقشه راه مسلمانان

شیخ محمد جمالی، امام‌جمعه اهل سنت شهرستان کنگان: نیاز روز امت اسلامی در این دنیای وانفسا که تمام کشورهای اسلامی در برابر زورگویان و ابرقدرت‌های مستکبر قرار دارند، اتحاد و اعتصام به «حبل‌الله» است. علما و صاحبان علم و تفکر در جهان اسلام باید با توجه به سیره پیامبر اسلام(ص) و براساس اخلاق، صبر و بردباری و نیکخویی، مسیر وحدت را هموارتر سازند.

اخوت اسلامی باید فرهنگ عمومی شود

آخوند عبدالغفار قرنجیک، عالم فعال فرهنگی و اجتماعی: اکنون بیش از پیش حفظ وحدت و ایجاد گفتمان همدلی در بین کشورهای اسلامی لازم و ضروری است. وحدت و اخوت اسلامی باید تا جایی پیش برود که به‌عنوان فرهنگ عمومی شناخته شود. در تقویم کشورمان و سایر کشورهای اسلامی روزی به‌عنوان وحدت امت اسلامی تعیین شده تا وحدت به‌معنای واقعی کلمه بروز کند.

وحدت؛ دغدغه‌ای کلیدی و اصیل در دین

اگر کمی با دقت به متون دینی و اسلامی نگاه کنیم به‌راحتی متوجه می‌شویم که در بسیاری از دستورات دینی و ادعیه و معارف سعی می‌شود که جبهه حق یکدست و یکصدا شود و با انسجام و اتحاد این جبهه، هم عزت و قدرت مقابله با جبهه مقابل یعنی جبهه شیطان و جبهه باطل پیدا شود و هم صعود به عالم قدس و سلوک الی‌الله برای یک جمع ایمانی رخ دهد زیرا در شرایط مساوی نظر حق به یک جمع بیش از نظر به یک فرد است چرا که عنصر تجمع اهل ایمان خود یک نکته حقی است که در ایجاد توحید مؤثر است، به‌عبارتی راه رسیدن به حق در شکل اتم و اکملش، از طریق جامعه اهل حق محقق می‌شود. بر همین اساس است که اوج تمدن اسلامی تشکیل حکومت جهانی امام‌زمان(عج) است که در آن یک جامعه متحد و مرتبط با هم شکل می‌گیرد. بر این اساس حساسیت جامعه حق، خصوصا معماران فرهنگی و رهبران جبهه هدایت و به‌خصوص نخبگان انقلابی، جهت هر چه به هم نزدیک کردن اعضای این پیکره بیشـــتر احساس می‌شود. در ادامه گشت و گذاری خیلی گذرا در برخی متون دینی می‌کنیم تا دغدغه بزرگان دین را نسبت به این مسئله مرور کنیم.

سطوح مختلف وحدت

وحدت با این گستره‌ای که تعریف شد در سطوح مختلفی قابل ترسیم اســـت. راهبرد دشـــمن ایجاد شکاف‌های مختلف اجتماعی جهت شکستن هیمنه و قدرت جبهه حق است. این راهبرد را در سطوح مختلف خرد و کلان دنبال می‌کند.

اختلاف و تفرقه بین زن و شـــوهر، بیـــن مردم، بین مســـئولین، بین مردم و مســـئولین، بین نسل‌های مختلف(بین نســـل اول انقلاب و نسل امروزین، بین جوانان و گذشـــتگان)، بین نخبگان، بین نخبگان و مردم، بین نخبگان و مسئولین، بین مذاهب(بین شیعه و سنی)، بین اقوام مختلف، بین زبان‌های مختلف؛ بین دانشجو و استاد، بین حوزه و دانشگاه و... برخی از این سطوح اختلافی است؛ حفظ وحدت باید در تمامی این لایه‌ها انجام شود. دستوراتی مثل حضور در جماعت مسلمین، بسیاری از عبادات که به‌صورت جمعی انجام می‌شود(نمازهای جماعت و جمعه و اعیاد مذهبی مثل عید فطر و قربان)، دستورات فراوان اخلاقی پیرامون ارتباطات ســـالم جامعه مســـلمین مثل صله رحم، بخشش جاهل، گذشت و ایثار و...؛ دغدغه مظلومان عالم را داشتن و کمک و همدردی با آنها و بسیاری از دستورات دیگر به‌راحتی ما را به این نتیجه می‌رساند که طی طریق الی‌الله در نقطه اعلایش از بســـتر یک جامعه منسجم و متحد ایمانی می‌گذرد که در همه این سطوح ایجاد شود.

انسجام جامعه حق ذیل پرچم آخرین منجی در دعای افتتاح

در این دعا وقتی اوصاف امام زمان(عج) مطرح می‌شود برای عزت و نصرت ایشان دعا می‌شود.

در انتها وقتی که دعاکننده به‌خود و جامعه خود نظر می‌کند و برای آن می‌خواهد دعا کند، نخســـتین مسئله که تقاضا می‌کند «رفع پراکندگی و دوری جبهه حق» گردهمایی حول ولایت امام است: «اَللّهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَـــعَثَنَا وَاشْـــعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتْقَنا وَكَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنا وَاَعْزِزْ بِهِ ذِلَّتَنا؛ خدایا بدان حضرت پراکندگی‌مان را برطرف کن و گســـیختگی‌مان را دور کن و پریشانی ما را بدو پیوست کن و کمی ما را بدو زیاد کن وخواری ما را بدو عزت بخش.» وقتی که خوب دقت شود در این فرازها عامل وحدت‌بخش و ازدیادکننده جبهه حق وجود امام زمان(عج) معرفی می‌شود یعنی اولا انسجام و اتحاد و همدلی و همکاری و تقویت اهل ایمان را تأکید می‌کند که در نهایت باید به نحو کامل انجام شود و ثانیا این اتحاد به‌واسطه امام‌زمان(عج) و در ذیل لوای ایشان باید صورت بگیرد.

دعای مکارم؛ بسترساز تمدن توحیدی با ایجاد اتحاد همه جبهه حق

در برخی ادعیه و دعاها سعی می‌شـــود که راهکارهای عملی الفت و نزدیکی و انسجام نیروهای مومن ارائه شود. ازجمله این ادعیه دعای شریف مکارم اخلاق است.

این دعا که فراتر از اخلاق است و در آن مکارم اخلاق معرفی می‌شود، سعی می‌کند افراد جامعه اسلامی را از حساب و کتاب‌های عادی فراتر برده و در راستای تبلور حق در فضای ایمانی بین مومنین، به تصحیح ارتباطات اعضای جبهه حق می‌پردازد و ســـعی می‌شود از زاویه‌های مختلف عواملی که این ارتباط و انسجام را کمرنگ می‌کند برشمرده شود و دستوراتی جهت برطرف کردن این نقیصه ارائه شود. در بخشی از این دعا نحوه ارتباط با کسانی که با ما اختلاف نظر دارند و برخلاف میل ما عمل می‌کنند، ذکر می‌شود: «وَاَبْدِلْنِی مِنْ بُغْضَه اَهْلِ الشَّنانِ الْمَحَبَّه؛ خدایا! دشمنی کینه‌توزان و دشـــمنان من را به دوستی تبدیل کن؛ و عداوت خویشان نزدیک را به دوستی تبدیل بنما.» با دقت در این فرازها مشخص می‌شود که امام سجاد(ع) تقاضاهایی را از خداوند درخواست می‌کند که تحقق آنها روابط جامعه مومنین در سطوح مختلف را بسیار به هم نزدیک می‌کند. چرا که در این فقرات خصوصیاتی اشاره شده که عموما باعث ایجاد اختلاف و دوری جمع مومنین از هم می‌شود و نوع موضع‌گیری فردی که ظاهرا در این برخورد آسیب دیده و حق به جانب است را مشخص می‌کند. موضع‌گیری که از دید اخلاقی نتیجه آن دشمنی و حسد در برابر دشمنی و حسد دیگران، کینه در مقابل کینه دیگران، قطع رابطه با کسی که قطع رابطه کرده و یا غیبت نموده است و بخل در مقابل بخیل است اما از دید مکارم اخلاق این موضع‌گیری‌ها تبدیل به دوستی و صمیمیت و حسن خلق در مقابل دشمنی و کینه و سوءظن، بذل و بخشش در مقابل بخل و منع دیگران، احسان در مقابل دوری افراد، و تعریف خوبی در مقابل غیبت می‌شود. همانطور که دیده می‌شود پایه‌های اختلاف و ریشه‌های پراکندگی در این دعا خشکانده می‌شود. و فضای تقابل بین مومنین به فضای انسجام و تقویت جبهه حق منجر می‌شود.

تحقق سلوک الی‌الله از طریق جماعت متحد و منسجم مسلمین

در آیه زیر اعتصـــام به حبل الهی، به‌صورت جمعی بیان می‌شـــود «و اعتصموا بحبل‌الله جمیعا و لا تفرقوا» (آل عمران/۱۰۲) و ایجاد وحدت و الفت و اخوت بین مسلمانان یکی از اقدامات اساسی حکومت پیامبر است: «وَذْكُرُوا نِعْمَه لله عَلَيكم اِذْ كُنْتُم أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَين قُلُوبكم فَأَصْبَحْتُم بنعْمَته اخْوَانا» (آل‌عمران /۱۰۳).

بدون توجه الهی این ارتبـــاط الفت‌آمیز بین قلـــوب مومنین محقق نمی‌شود: «و الف بین قلوبهم لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولکن‌الله الف بینهم» (انفال/۶۳) (ر.ک: المیزان ج ۹ ص ۱۱۹)

با دقت در این آیات مشخص می‌شود که برای ایجاد وحدت بین جمع مومنین باید دست اراده الهی در کار باشد لذا اینکه خودمان را پیشتاز وحدت بدانیم یا عامل وحدت را کارهای خودمان بدانیم اول اشتباه است بلکه وظیفه ما این است که طبق دستوراتی که حضرت سجاد(ع) دادند زمینه‌های اختلاف و کینه و پراکندگی را از بین ببریم و با هموار کردن زمین محبت، آمادگی نزول فیض حق در قلوب مومنین را ایجاد کنیم تا با تجلی حضرت حق در قلب ایشان الفت بین قلوب ایجاد شود چرا که وقتی در قلب همگان نور الهی بتابد خودبه‌خود همه قلب‌ها به یک نور مبدل می‌شوند و لذا این نور واحد نخ تسبیح دانه‌های متفرق افراد می‌شود.

در نقطه مقابل نیز تفرقه باعث ســـستی و بددلی و از بین رفتن قدرت و شوکت اهل حق می‌شود «وَلَاتَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكم» (انفال/۴۶). هر جا اختلاف است شیطان در معرکه است. جامعه مومنان حول محور وحدت و اخوت و رحمت می‌چرخد و خشـــم و نفرت فقط با کفار است «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ لله وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُم» (فتح/۲۹).

توجهات رهبران اسلام به وحدت جامعه

در صدر اســـلام پیامبر(ص) هرگز اجازه نمی‌داد زمینه اختلاف و تشتت فکری و اجتماعی در بین امت اسلامی پیش بیاید. علی و سایر امامان شیعه نیز با محور قرار دادن قرآن و سنت نبوی(ص) مانع بروز اختلاف فکری و تشتت در پیکره امت اسلامی می‌شدند.

امام علی(ص) در این مورد می‌فرمایند: «امت‌های پیشین مادامی که باهم اتحاد و وحدت داشتند، در حال پیشرفت و شکوفایی بودند و به عزت و اقتدار دسته یافتند، خلافت و وراثت در زمین را به‌دســـت آوردنـــد و رهبر و زمامدار جهان شدند» (نهج البلاغه/ خطبه ۵) و در جای دیگر از تلاش خود برای ایجاد وحدت می‌گوید «هیچ‌کس از من بر اتحاد و همبستگی امت محمد حریص‌تر نیست. من در این کار خواستار پاداشی نیکو از جانب خداوند و بازگشت به جایگاه نیکو هستم» (نهج البلاغه/ خطبه ۱۱۲).

حضرت درباره ضرورت وحـــدت می‌فرمایند: «مبادا در دین متلون و دورنگ باشـــید. همبستگی و اتحاد در راه حق اگرچه از آن کراهت داشته باشید، بهتر از پراکندگی در راه باطلی اســـت که شـــما بدان مایلید». (پیشین، خطبه ۱۷۶).

آن حضرت در مسئله خلافت که نخستین اختلافی بود که در بین امت اسلامی به‌وجود آمد، با صبر و سکوت خود اجازه نداد این اختلاف، وحدت امت اســـلامی را خدشه‌دار سازد «شما برادران دینی یکدیگر هستید و چیزی جز پلیدی درون و نیت زشت، شما را از هم جدا نساخته و موجب تفرقه نشده است، و از این‌رو نه یکدیگر را یاری می‌دهید و نه با هم همـــکاری و خیرخواهی و بخشش و دوستی می‌کنید و در نتیجه، تعاون و همیاری و نصیحت و بذل و بخشش و دوستی و محبت از میان شما رفته است.» (نهج البلاغه/ خطبه ۱۱۳).